



Intra-structural and functional conflicts in the administrative system of the Seljuk government

Naser Sedghi* 

*Associate Professor, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz,,Iran. E-mail: n_sedghi@tabrizu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received:19Febr 2022

Received in revised

form:11Augu 2022

Accepted: 18Sept2022

Publishedonline:22Dece2022

Keywords:

Seljuks,
Bureaucracy,
Lack of liquidity,
Weakness of
communication
system, Functional
conflicts.

The Seljuk government had two major internal barriers to establishing centralized and stable bureaucratic management. The first obstacle was the lack of stable financial and monetary resources. The second obstacle was the lack of a centralized communication and transportation system in the political realm. The dominance of the natural economy in the society and the low prevalence of money in the market and trade relations caused the shortage and limitation of monetary resources in the central treasury. Because the government had to collect taxes in a non-monetary way. Lack of liquidity in the government treasury was the most important obstacle to the establishment and consolidation of the bureaucracy. The policy of the Seljuk government in Assignment of Igta' and non-cash payments to government officials was due to lack of liquidity. Also, the lack of a transportation system and continuous means of communication within the political realm led to the inability of the Central Court to continuously oversee the provinces and the activities of local and province governors. These two conditions led to the disintegration of the Seljuk state and the collapse of the central bureaucracy.

Cite this article: Sedghi, Naser (2022). **Social Intra-structural and functional conflicts in the administrative system of the Seljuk government.** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31 Pages.408-425.

DOI. 10.22111/JHR.2022.38957.3173



© The Author; Naser Sedghi,
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2022.38957.3173



تعارضات درون ساختاری و کارکردی در نظام دیوانسالاری دولت سلجوقی

ناصر صدقی* 

*دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: n_sedghi@tabrizu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	دولت سلجوقی، برای ایجاد مدیریت متمرکز و پایدار دیوانسالار، دارای دو محدودیت اساسی درون ساختاری بود. نخست محدودیت در منابع مالی و پولی پایدار و دوم محدودیت در نظام ارتباطات و حمل‌ونقل و سازوکارهای اداری و نظارتی مستمر. حاکم بودن اقتصاد معیشتی و کالایی در سطح جامعه، موجب وصول غالب مالیات‌ها به صورت جنس و کالا و در نتیجه کمبود محدودیت منابع پولی در خزانه مرکزی بود. کمبود نقدینگی در خزانه حکومت هم مهم‌ترین مانع فراروی تأسیس و تثبیت نظام دیوانسالاری بود. اقدام دولت سلجوقی در واگذاری اقطاع و پرداخت غیر نقدی موجب صاحب‌منصبان حکومتی، ناشی از همین وضعیت کمبود نقدینگی بود. همچنان که نبود سیستم حمل‌ونقل و ابزارهای ارتباطی و نظارتی مستمر در گستره قلمرو سیاسی، موجب ناتوانی دیوان مرکزی در نظارت پیوسته در ایالات و فعالیت حکام محلی و ایالتی بود. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، تقارن و پیوستگی شرایط دوگانه مذکور گسست سیاسی-اداری ایالات دولت سلجوقی و تجزیه و فروپاشی دیوانسالاری مرکزی را در پی داشت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱	
واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، نظام دیوانسالاری، کمبود نقدینگی، ضعف نظام ارتباطی، تعارضات کارکردی.	

استناد: صدقی، ناصر (۱۴۰۱) تعارضات درون ساختاری و کارکردی در نظام دیوانسالاری دولت سلجوقی، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۰، ص ۴۰۷-۴۲۵.

DOI. 10.22111/JHR.2022.38957.3173

© نویسندگان. ناصر صدقی ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

مسئله موانع و محدودیت‌های درون ساختاری حاکم در نظام دیوانسالاری دولت سلجوقی که زمینه‌ساز تجزیه و فروپاشی آن شد، مورد توجه محققان قرار نگرفته است. در تحقیقات موجود، موانع فراروی نظام اداری و دیوانسالاری دولت سلجوقی از منظر نقش عوامل برون ساختاری چون نیروهای قبیل‌ای و اشرافیت محلی بررسی شده است.^۱ درحالی که مقدم بر نقش عوامل خارجی مذکور، آنچه موجب ناتوانی دولت سلجوقی در تثبیت و تداوم مدیریت دیوانسالاری شد، دو عامل درون ساختاری به هم پیوسته بود. این عوامل بازدارنده که پژوهش حاضر درصدد طرح آن است، تنها محدود به نظام دیوانسالاری سلجوقی نبود. بلکه یک مسئله فراگیر در مدیریت دیوان‌سالار حاکم در تاریخ دولت‌های ایران پیشامدرن است. برخلاف ادبیات شرق‌شناسی منبعث از نظریات سیاسی اروپای عصر مدرن (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱ و ۲، سیف، ۱۳۸۰: ۱۴۷-۱۴۹ و ۱۵۳ و ۱۶۱ ولی، ۱۳۸۰: ۳۱ و ۴۰ و ۴۱ و ۵۸، آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱ و ۲) و تجربیات ساخت دولت در ایران معاصر که تصویر نظام پادشاهی بوروکراتیک و متمرکز را از دولت در تاریخ ایران را به نمایش می‌گذارد (توفیق، ۱۳۸۵: ۹۵ و ۱۰۳)، واقعیت ساخت دولت و ابعاد و حدود قدرت و نفوذ تشکیلات دیوانسالاری نظام‌های سیاسی در تاریخ ایران پیشامدرن متفاوت بود. از یک سوء بخش عمده تاریخ سیاسی ایران عرصه نقش‌آفرینی نیروهای غیر دیوانسالاری چون حکومت‌های محلی و ملوک‌الطوایفی بود. دیگر اینکه نظام‌های پادشاهی دیوان‌سالار و فراگیر در تاریخ ایران پیشامدرن، حتی در دوره‌های اوج قدرت، امکان‌های درونی و ساختاری تثبیت نظام اداری و دیوانی متمرکز با قدرت نظارتی مستمر بر تمام بخش‌های جامعه را نداشته‌اند. مسئله‌ای که چرایی آن در پژوهش حاضر بر اساس نمونه موردی مربوط به نظام دیوانسالاری سلجوقی به‌عنوان نخستین تجربه از پادشاهی دیوان‌سالار و فراگیر در تاریخ ایران دوره اسلامی، مورد بحث قرار گرفته است.

سلجوقیان از دوره سلطان آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ ق.)، با گذار از نظام اداره غیرمتمرکز خاندانی - اشتراکی، با جذب سه قشر نظامیان، دیوانیان و علمای دین، نظام پادشاهی دیوان‌سالار را مطابق سنت‌های حکومت‌داری پادشاهی ایرانی، برای مدیریت سیاسی و سرزمینی قلمرو سیاسی خود برگزیدند. الگوی اداری خاندانی-اشتراکی آغازین، یک سنت اداری غیرمتمرکز ترکی-سلجوقی بود که بیشتر

برای اداره تشکلهای خاندانی و خویشاوندی و قلمروهای محدود قبیله‌ای و عشیره‌ای کارایی داشت. درحالی‌که الگوی پادشاهی دیوان‌سالار ایرانی برای اداره شهرها و قلمروهای سیاسی گسترده و فراخاندانی، قابلیت‌ها و کارآمدی بیشتری داشت. به جهت چنین ضرورت و نیازی، وقتی سلجوقیان به مرکزیت ایران، بر گستره جغرافیایی ماوراءالنهر در شرق تا بلاد روم در غرب مسلط شدند، برای اداره چنین قلمرو عظیمی، با مشارکت نخبگان و دبیران ایرانی، نظام پادشاهی دیوان‌سالار را به خدمت گرفتند. علی‌رغم اهمیت و کارایی الگوی اداری دیوان‌سالار در مدیریت قلمرو سلجوقیان، استمرار و قدرت اثرگذاری این نوع سیستم اداری، دچار محدودیت‌های درون ساختاری اساسی بود. به‌طوری‌که از تأسیس دیوانسالاری سلجوقی، مدتی نگذشته بود که این نوع نظام اداری به سمت گسست و فروپاشی درون ساختاری پیشرفت. نخستین عامل مؤثر در چنین وضعیتی، محدودیت در منابع مالی حکومت و کمبود نقدینگی بود. به‌طوری‌که حکومت مرکزی مجبور شد، جهت اداره قلمرو سیاسی و تأمین هزینه‌ها و مواجه صاحب‌منصبان نظامی و ایالتی به پرداخت‌های غیرمتمرکز و غیر پولی، چون حواله به ایالات و واگذاری ملک و اقطاع، متوسل شود. سیاستی که در عمل، در تعارض با اهداف مدیریت واحد و متمرکز دیوان‌سالار قرار داشت.

دیگر وجه از محدودیت و ناتوانی درون ساختاری نظام دیوانسالاری سلجوقیان در اداره قلمرو سیاسی، به ماهیت ابزارهای ارتباطی و نظارتی چنین ساختاری مربوط بود. برخلاف بوروکراسی‌های مدرن که مبتنی بر ابزارهای ارتباطی و نظارتی پیشرفته و سریع هستند، دیوانسالاری‌های سنتی، نظام حمل‌ونقل و ابزارهای اداری و نظارتی دقیق برای اداره قلمروهای گسترده را نداشتند. موانع و محدودیت‌های فراروی نظارت بر عملکرد صاحب‌منصبان ایالتی، نبود ابزارهای انتقال سریع اخبار و اطلاعات و احکام و فرمان‌های حکومتی به ایالات و یا اخبار ایالات به مرکز، از جلوه‌های ناکارآمدی و ناتوانی نظام‌های دیوانسالاری سنتی به‌صورت عام و دیوانسالاری سلجوقی به‌صورت خاص، جهت مدیریت متمرکز و واحد قلمرو سیاسی بود. به‌طوری‌که اگر نقش عوامل برون ساختاری چون موانع و مرزهای طبیعی و جغرافیایی و عوامل اجتماعی و سیاسی چون پراکندگی شهرها و روستاها و مرزبندی‌های مذهبی، قومی، خاندانی و عشیره‌ای و نیروهای محلی را به عوامل درون ساختاری مذکور اضافه کنیم، آنچه آشکار می‌شود این است که نظام دیوانسالاری سلجوقی به‌عنوان الگویی تکامل‌یافته

از نظام اداری در تاریخ ایران، در راستای مدیریت متمرکز و واحد قلمرو سیاسی تا چه اندازه دچار موانع و محدودیت‌های درون ساختاری و برون ساختاری بوده است.

مسئله کمبود نقدینگی در تعارض با مدیریت دیوانسالار

خواجه نظام‌الملک طوسی مؤسس و پایه‌گذار نظام دیوانسالاری سلجوقی بود. طی دوره وزارت سی‌ساله خواجه در سلطنت سلطان آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ ق.) و سلطان ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ ق.)، نظام دیوانسالاری دولت سلجوقی تأسیس و تثبیت شد (سرافرازی، ۱۳۹۲: ۶۰ و ۶۱). با توسعه تشکیلات و مناصب دیوانی در دیوان مرکزی دولت سلجوقی، تحت امر و نظارت وزیر اعظم، چهار دیوان استیفاء، طغراء، اشراف و عرض شکل گرفت (ابوالرجاء قمی، ۱۳۶۳: ۶۱). از جمله نخستین نیازها و ضرورت‌ها برای تأسیس و راه‌اندازی تشکیلات دیوانسالاری، ایجاد و تأمین منابع مالی منظم و ثابت بود. تشکیل دیوان استیفاء به‌عنوان «امهات اعمال دولت» و «مهمات اشغال مملکت»، جهت محاسبه و وصول منظم مالیات‌ها و عواید دیوانی از بخش‌های تولیدی جامعه چون زراعت، تجارت و دامداری در راستای این نیاز و ضرورت بود. محاسبه و تعیین محل و منابع مالیات‌ها و وصول آن و پرداخت‌های نقدی، جنسی و ملکی دیوانی، چون «جامگیات»، «جرایات»، «اقطاعات»، «اطلاقات» و «ایجابات» خدم و حشم و لشکریان و تخصیص «ارزاق سادات»، «ادارات مستحقات» و همچنین «تسویغات و معاش اقطار» و کل دستورات و جرائد معاملات و قوانین محاسبات و خط و برات‌ها، اقداماتی بود که در دیوان استیفاء صورت می‌گرفت (نامه‌های رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۸: ۷۹ و ۸۰). از دوره سلطان آلپ ارسلان، با تأسیس دیوان استیفاء، اداره امور مالی و درآمدهای مالیاتی حکومت و آگاهی از میزان عایدات و هزینه‌ها شکل نسبتاً منظم یافت. وصول مالیات‌ها و پرداخت مواجب نظامیان سامان یافت و مشاخره‌ها و هزینه‌ها و دریافتی‌های آنها به نقد و جنس و اقطاع در دیوان استیفاء و دفاتر آن ثبت گردید. به‌طوری که از طریق دیوان استیفاء، ارزش خدمات هر یک از دیوانیان و امرا به سه صورت نقد، جنس و اقطاع (ملک) محاسبه و پرداخت می‌شد (ابن اثیر ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۶ و ۱۹۳ و ۲۱۱ و عمادالدین، ۱۳۱۸: ۵۸-۵۷ و ابو الرجاء، ۱۳۶۳: ۶۳-۶۲).

علی‌رغم تمهیدات صورت گرفته در نظام دیوانسالاری سلجوقی جهت ایجاد خزانه متمرکز و انتظام دخل و خرج‌های حکومتی، این نوع شیوه مدیریت مالی و دیوانسالاری دچار یک عارضه درونی

مزمین بود و آن همانا کمبود نقدینگی و عدم تناسب بین درآمدهای نقدی حکومت با هزینه‌ها و مصارف بخش‌های دیوانی و نظامی آن بود. کمبود نقدینگی و غیر نقدی و غیر متمرکز بودن غالب پرداخت‌های مالی در نظام دیوانسالاری سلجوقی، به یک مسئله بنیادین اقتصادی برمی‌گشت و آن همانا حاکم بودن اقتصاد طبیعی و فقدان مناسبات پولی در نظام معیشتی و مبادلاتی رایج در جامعه بود. نتیجه چنین وضعیتی آن بود که درآمدهای مالیاتی و در نتیجه نظام پرداخت موجب در دیوانسالاری سلجوقی، به‌شکلی غالب جنبه غیر نقدی، غیر متمرکز و محلی داشته باشد. نظام اقتصادی عصر سلجوقی، به‌عنوان نمونه‌ای تکامل یافته از اقتصادهای پیشاسرمایه داری، حاصل هم‌زیستی و سازگاری بین دو گونه اقتصاد طبیعی و معیشتی غالب و اقتصاد پولی ضعیف بود. مناسبات اقتصادی و مبادلات عموم مردم در سطح شهرها و جماعت‌های روستایی و ایلی، به علت فقدان و یا کمبود پول، شکل مبادله و معاوضه کالا با کالا یا خدمات در مقابل کالا را داشت. پول تنها در مبادلات و مناسبات مالی بخش‌هایی از مراکز شهری و تجاری که محل حضور اقلیت صاحب ثروت و سرمایه چون صاحب‌منصبان حکومتی، تجار و بازرگانان و اعیان شهری بود، رواج داشت. با توجه به غلبه اقتصاد طبیعی و معیشتی در سطح جامعه و محدودیت رواج پول در مبادلات تجاری اقشار خاص شهری و حکومتی، آثار چنین پدیده‌ای در نظام مالیاتی و اقتصاد سیاسی حکومت آشکار می‌شد. به‌طوری که دولت مجبور بود، بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را به‌صورت مالیات‌های غیر نقدی تأمین کند و بخش قابل توجهی از هزینه‌های خود را که عموماً موجب نظامیان و صاحب‌منصبان حکومتی بود، به‌صورت پرداخت‌های غیر پولی انجام دهد (صدقی، ۱۴۰۰: ۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۲۰-۲۲۱).

به جهت شرایط مذکور، پرداخت نقدی و متمرکز موجب صاحب‌منصبان نظامی و دیوانی در دیوانسالاری محدود و موقتی بود و غالب آن به شکل غیر متمرکز و به‌صورت جنس و کالا، عایدات ملکی یا حواله انجام می‌شد (نظام‌الملک، ۱۳۶۴: ۱۳۴-۱۳۵). به‌استثنای مقرری‌های «نواب دیوان اشراف» در ایالات که تأکید می‌شد از خزانه مرکزی پرداخت شود، (نظام‌الملک، ۱۳۶۴: ۸۲) موجب و مقرری‌های دیگر صاحب‌منصبان حکومتی چون *والیان*، *مقطعان*، *قضات*، *شحنه*، *عامل*، *رئیس*، *محتسب*، *نواب دیوان اوقاف*، *رؤسای مذاهب و ائمه جماعات*، به‌صورت جنس و حواله، از محل وجوه دیوانی هر ایالت پرداخت می‌شد (المختارات...، ۱۳۷۸: ۴۰۷-۴۰۵-۴۰۴-۴۰۲ و عبدالخالق میهنی، ۱۹۶۲: ۱۱۴).

– ۱۰۸ – ۱۰۷). اسامی و ماهیت انواع مواجب و مقرری‌های رایج در دیوان سلجوقیان، مانند *اقطاع*، *جامگی*، *اجرت برات*، *حواله*، *نان پاره* و *انظار*، نشان می‌دهد که غالب آن‌ها جنبه غیر نقدی داشت و از محل عایدات و امتیاز مالیات‌های دیوانی هر ایالت، در شکل انواع خلعت‌ها و البسه، اسب و جامه پرداخت می‌شد (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۶۴۶، *المختارات*، ۱۳۷۸: ۴۰۹ و ۳۷۷ و *نظام‌الملک*، ۱۳۶۴: ۲۰۵ و ۱۵۶ و ۱۵۴ و ۱۴۷، ۱۶۵ و اسناد و نامه‌های تاریخی، ۱۳۶۴: ۶۵ و ۶۴ نامه‌های رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۸: ۵۶ و قزوینی، ۱۳۱۸: ۱۴۲، *نظامی عروضی*، ۱۳۲۷: ۴۳ – ۴۲ راوندی، ۱۳۳۳: ۱۲۸ – ۱۲۷). همچنین که *ادارات*، *تسویغات*، *معایش*، *ارفاقات*، *صلات*، *صدقات* و *موقوفات* گونه‌های دیگری از امتیازات و مقرری‌های غیر نقدی بود که از طریق تشکیلات دیوان استیفاء در ایالات، به اقشار خاص اجتماعی مانند زنان درباری، علما و فقها، شعراء، سادات و علویان، زهاد و صوفیان، اختصاص می‌یافت (*المختارات*، ۱۳۷۸: ۴۵۹ – ۴۰۹ – ۱۷۳ – ۹۰، ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۸: ۲۳۲). مشکلات و موانع فراروی حمل و انتقال درآمدهای مالیاتی جنسی و کالایی از ایالات به خزانه مرکزی موجب می‌شد، حکومت ترجیح دهد، مواجب صاحب‌منصبان حکومتی را در ایالات و شهرهای مختلف به شکل *برات*، *حواله* و یا *اقطاع* پرداخت کند. هدف و مطلوب نظام اداری دیوان سالار، ایجاد تمرکزگرایی اداری و سیاسی از طریق پرداخت مواجب از خزانه مرکزی و تجمیع اختیارات اداری و مالی در دیوان مرکزی بود. درحالی‌که دیوان مرکزی به علت ناتوانی مالی و کمبود نقدینگی، مجبور می‌شد، مواجب صاحب‌منصبان حکومتی را به صورت جنس و کالا، به دوایر دیوان استیفاء در هر ایالت حواله دهد. وضعیتی که موجب تضعیف قدرت دیوان مرکزی و جدایی و استقلال مالی و گسست اداری و سیاسی صاحب‌منصبان ایالتی از حکومت مرکزی می‌شد.

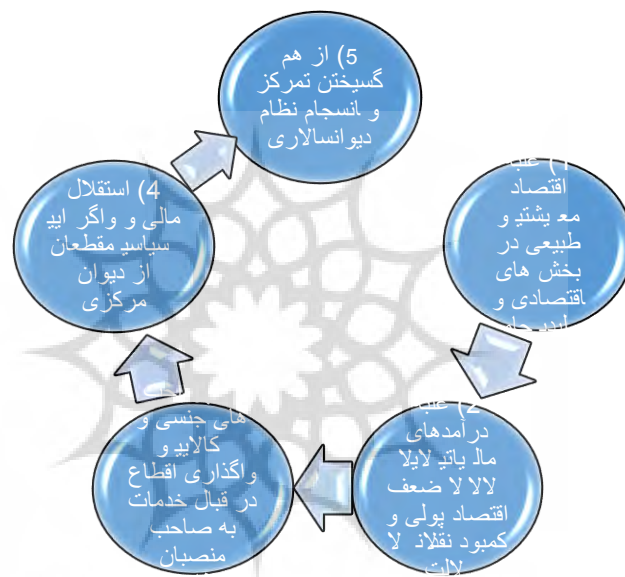
تعارض سیاست اقطاع‌داری با نظام اداری متمرکز و دیوان سالار

سیاست واگذاری اقطاع‌ات در دوره سلجوقی جهت تأمین مواجب صاحب‌منصبان نظامی و تمرکزگرایی، هرچند یک سیاست مالی دیوانی بود (مرسل پور، ۱۳۹۵: ۹۷)، اما در اصل ناشی از کمبود نقدینگی در خزانه دولت سلجوقی بود (Weber, 1978; v.2.p 1076 و لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۲۶–۲۲۷ و باسورث، ۱۳۸۱: ۶۳ و نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۱۲–۲۱۳) از دوره سلطان ملک‌شاه (۴۶۵–۴۸۵ ق.) بر اساس برنامه‌های تمرکزگرایی خواجه نظام‌الملک، جهت تکمیل الگوی اداری دیوان سالار و تمرکزگرا

(سرافرازی، ۱۳۹۲: ۶۸ و ۶۹)، سیاست حذف قوای نظامی دارای پایگاه ایلی ترکمان و تشکیل ارتش ثابت و پایدار بر اساس به‌کارگیری غلامان و قوای نظامی دارای پایگاه شهری و دیوانی، به اجرا درآمد (نظام‌الملک، ۱۳۸۳: ۱۳۹). این اقدام هرچند برای مدتی محدود، موجب ایجاد سپاه ثابت و وفادار به شخص سلطان سلجوقی شد، اما اجرای آن برای حکومت مرکزی دارای هزینه‌های مالی هنگفت بود. افزایش چندین برابری هزینه‌های نگهداری ارتش ثابت و وارد شدن بار مالی طاقت‌فرسا به خزانه مرکزی و به‌تبع آن بخش‌های اقتصادی جامعه، از پیامدهای اصلاحات نظامی سلطان ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک بود. راه‌حل اداری حکومت برای مقابله با چنین وضعیتی، واگذاری اقطاع در قبال خدمات نظامیان بود. بدین گونه در شرایط ضعف اقتصاد پولی و کمبود نقدینگی، جهت تأمین هزینه‌های مالی ناشی از ایجاد ارتش ثابت، واگذاری اقطاع به غالب‌ترین شکل از پرداخت‌های دیوانی دولت سلجوقی تبدیل شد. فعالیت‌های مقطعان در دوره سلطان ملک‌شاه و سلطان محمد، تحت نظارت دیوان مرکزی بود و مقطعان به‌مانند دیگر عمال دیوانی از طریق دیوان مرکزی عزل و نصب می‌شدند (نظام‌الملک، ۱۳۶۴: ۱۷۷ و ۱۳۵ و ۱۳۴). اما با گسترش دامنه‌های واگذاری اقطاع حکومتی و کاسته شدن از قدرت نظارتی حکومت مرکزی، قدرت نظامی و مالی در این نوع ایالات در دست مقطعان متمرکز شد.

هرچند واگذاری اقطاع یک سیاست و برنامه دیوانی بود، اما این اقدام به لحاظ شکلی و ماهوی در تعارض با اهداف مدیریت پادشاهی دیوان‌سالار قرار داشت. هدف و غایت سیستم اداری دیوان‌سالار، افزایش تمرکز و قدرت اداری و نظامی شخص سلطان و حکومت مرکزی بود. درحالی‌که سیاست واگذاری اقطاع موجب کاسته شدن از قدرت اداری و مالی حکومت مرکزی می‌شد. چراکه اقطاع در گذر زمان، موجب استقلال مالی مقطعان و وحدت قدرت نظامی و اقتصادی امرای نظامی و جدایی آن‌ها از سیستم مالی و اداری نظام دیوان‌سالاری دولت سلجوقی، توسط امرای نظامی صاحب اقطاع صورت گرفت. مقطعان به‌واسطه دریافت اقطاع از دیوان مرکزی و وحدت قدرت نظامی-مالی به سمت خودمختاری و استقلال اداری و سیاسی از دیوان مرکزی سوق یافتند. از نیمه سده ششم هجری، قشری قدرتمند از امرای صاحب اقطاع در ایالات غربی حکومت سلجوقی ظهور کردند و عملاً موجودیت نظام اداری

دیوان‌سالار را در ایالات به چالش گرفتند. نتیجه این روند پیدایش مجموعه‌ای از ایالات در قلمرو سیاسی دولت سلجوقی بود که از آن می‌توان به ایالات اقطاعی تعبیر کرد. ایالات اقطاع از دوره سلطان ملک‌شاه و اغلب از درون ایالات دیوانی پدید آمدند و از حلب و موصل تا آذربایجان و فارس گسترش یافت. تجزیه و فروپاشی نظام دیوانسالاری سلجوقی و شکل‌گیری مجموعه متعددی از حکومت‌های محلی و موروثی توسط مقطعان در ایالات، از پیامدهای سیاست اقطاعی دولت سلجوقی بود (صدقی، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۶۶).



نمودار ارتباط ضعف اقتصاد پولی دولت با ناکارآمدی نظام دیوانسالاری

ضعف نظام ارتباطی و اطلاعاتی دیوانسالاری سلجوقی

دیگر معضل درون ساختاری در دیوانسالاری‌های پیشامدرن رایج در تاریخ ایران، ابتدایی بودن نظام ارتباطات و اطلاعات بود. ابعاد چنین مشکل و محدودیتی در ارتباط با گستردگی قلمرو نظام‌های پادشاهی دیوان‌سالار و ناهموازی‌ها و گسست‌های اقلیمی و جغرافیایی در گستره قلمرو نظام‌های سیاسی مستقر در ایران، به شدت افزایش می‌یافت و قدرت نظارتی و توان اجرایی مجموعه نظام دیوانسالاری را محدود می‌کرد. سلاطین سلجوقی با روش‌ها و سیاست‌های مختلف می‌کوشیدند، کل

قلمرو سیاسی را در حیطه نفوذ و تحت اداره تشکیلات دیوانسالاری نگهدارند. در همین راستا آن‌ها به مسافرت‌های نظامی و نظارتی مکرر در گستره قلمرو سیاسی دولت سلجوقی اقدام می‌کردند. سلطان ملکشاه در دوره سلطنت خود با اردوی نظامی و سلطنتی چندین بار جهت سرکشی و نظارت در ایالات دوردست مرزی، از ترکستان و کرمان در شرق تا ایالات ساحلی دریای مدیترانه در غرب، اقدام به مسافرت‌های طولانی کرد (عمادالدین، ۱۳۱۸: ۵۳-۵۲، ظهیرالدین، ۱۳۳۲: ۳۱ و صدرالدین حسینی، ۱۹۳۳: ۷۲ و ۶۳). وی در طول این سفرها به هدف نظارت در عملکرد حکام ایالتی و جلب قلوب رعایا، با بر پای داشتن دیوان مظالم به شکایات و تظلمات رعایای امپراتوری در مناطق مختلف رسیدگی می‌کرد (یوسفی فر و همکاران: ۲۶۸).

به گرو نگاه داشتن فرزندان برخی از حکام محلی و دیوانیان در دربار مرکزی و ملزم ساختن آن‌ها به حضور متناوب در دربار سلجوقی، از دیگر روش‌ها جهت حفظ وفاداری حکام محلی و حفظ انسجام قلمرو حکومت و جلوگیری از تجزیه آن بود (نظام‌الملک، ۱۳۸۲: ۱۳۸ و عمادالدین، ۱۳۱۸: ۱۱۳-۱۱۰) استفاده از افراد گمنام و متعلق به طبقات پایین جامعه در مناصب حکومتی و تغییر مکرر و پیوسته موقعیت افراد و گروه‌ها از مناصب و مقامات حکومتی و جلوگیری از شکل‌گیری خاندان‌ها و گروه‌ها و افشار منزلتی قدرتمند در سطح جامعه و حکومت از دیگر سیاست‌های حکومت برای ممانعت از شکل‌گیری کانون‌های قدرت در مقابل تشکیلات دیوانی در ایالات بود. حتی در اداره ایالات دیوانی، استقلال دادن به مقامات نظامی و اقتصادی امیری و عمیدی و استفاده از قدرت بازدارنده آن‌ها در مقابل هم، از دیگر روش‌های جلوگیری از گسست و استقلال صاحب‌منصبان حکومتی از نظام دیوانسالاری بود (ابن اثیر ۱۴۱۷، ج ۸: ۲۶۵ و ابوالرجاء قمی، ۱۳۶۳: ۲۶۴). علی‌رغم چنین تمهیدات و اقدامات مدیریتی، گستردگی قلمرو سیاسی سلجوقیان و نبود امکانات ارتباطی و نظارتی کافی و مستمر در عملکرد حکام و صاحب‌منصبان اداری در ایالات، تدریجاً زمینه‌های گسست اداری ایالات از دیوان مرکزی و مجموعه قلمرو دیوانی دولت سلجوقی را فراهم ساخت. به طوری که مسافرت‌های فصلی و متناوب سلاطین سلجوقی جهت نظارت در فعالیت و عملکرد حکام ایالتی یا دیگر روش‌ها هیچ‌گاه مانع

از تجزیه قلمرو سیاسی دولت نشد. (Durand-Guedy, 2011, pp. 24-25 and Köymen, 1976, s. 23)

از دیگر نقاط ضعف نظارتی و اطلاعاتی در نظام دیوانسالاری سلجوقی، حذف تشکیلات دیوان برید یا همان اطلاعات و جاسوسی بود. حذف دیوان مذکور به دستور سلطان آلب ارسلان و ظاهراً تحت تأثیر روحیات و اخلاقیات خویشاوندی رایج در زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای صورت گرفت. به عقیده وی وجود دیوان برید باعث بدبینی به دوستان و خویشان و دوری آن‌ها از حکومت می‌شد و زمینه‌های دسیسه و توطئه مخالفان را بین صاحب‌منصبان دیوانی فراهم می‌ساخت (نظام‌الملک، ۱۳۸۲: ۹۵-۹۶). خواجه نظام‌الملک علی‌رغم اینکه برید را از قواعد ملک می‌دانست و مخالف استدلال سلطان آلب ارسلان برای حذف دیوان برید بود، موفق نشد تشکیلات مذکور را در حکومت سلجوقیان تجدید کند. به نظر عمادالدین اصفهانی دبیر-مورخ سلجوقی، حذف دیوان برید یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات سلجوقیان بود. چراکه نبود نظام خبررسانی نقش اساسی در غفلت دولت سلجوقی از تحرکات اسماعیلیه داشت. به طوری که در غیاب دیوان برید و کم‌اطلاعی حکومت از فعالیت‌های اسماعیلیه، بسیاری از اهل حکومت جان خود را به جهت سوء‌قصد فدائیان اسماعیلی از دست دادند □□ و عده‌ای دیگر متهم به باطنی‌گری و مشارکت در فعالیت‌های اسماعیلیه شدند (عمادالدین، ۱۳۱۸: ۶۳-۶۲). نظامی عروضی سمرقندی، مؤلف کتاب چهارمقاله هم نقد جدی سیاست سلجوقیان در حذف دیوان برید بود. وی این اقدام سلجوقیان را در تعارض با «رسوم پادشاهی» و «ضروریات ملک» می‌دانست. چراکه پادشاه عملاً قدرت خود را در نظارت بر عملکرد صاحب‌منصبان حکومتی و مخالفان نظام سیاسی از دست می‌داد (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۲۴). فقدان تشکیلات دیوانی برید در غفلت و عدم آگاهی سلاطین سلجوقی از فعالیت‌های حکام محلی و والیان و مقطعان و شاهزادگان صاحب حکومت در ایالات نقش اساسی داشت.

نتایج پژوهش

برخلاف تصور رایج در رویکردهای نظری و تحلیلی درباره ساختار قدرت پادشاهی‌های دیوان‌سالار در تاریخ ایران، نفوذ این نوع نظام سیاسی در ایالات و ولایات پیرامونی و اجتماعات روستایی و جماعت‌های ایلی کم‌رنگ و پیوسته در نوسان و گسست بود. باوجود آنکه در تاریخ ایران نظام‌های سیاسی حاکم با ایجاد دستگاه دیوانسالاری فراگیر و به پشتوانه قدرت نظامی ناشی از سپاه و ارتش، همواره در پی سرکوب نیروهای محلی و اعمال سلطه فراگیر و یکپارچه در بخش‌های مختلف

قلمرو سیاسی بودند، اما این نوع پادشاهی‌های دیوان‌سالار در دوره اوج قدرت و تمرکز اداری و نظامی، از درون دچار گسست و تلاشی دیوانی می‌شدند. به طوری که مقاطع اعمال قدرت و سلطه متمرکز نظام‌های پادشاهی دیوان‌سالار و فراگیر در تاریخ و جغرافیای ایران، خیلی اندک و محدود بود و بخش مهمی از زمان این نوع حکومت‌ها با برتری نیروهای محلی و مرکزگریز سپری می‌شد. در تحلیل چرایی ناتوانی پادشاهی‌های دیوان‌سالار جهت ایجاد و تثبیت نظام اداری متمرکز و واحد، عموماً به نقش نیروهای محلی و مرکزگریز در ایالت‌ها اشاره می‌شود. درحالی‌که این نیروها در زمره عوامل برون ساختاری مؤثر در گسست و فروپاشی نظام‌های پادشاهی دیوان‌سالار بودند.

مقدم بر عوامل برون ساختاری مذکور، یکی از مهم‌ترین عوامل درون ساختاری در ناتوانی نظام‌های پادشاهی دیوان‌سالار جهت تثبیت الگوی اداری متمرکز و دیوان‌سالار، کمبود نقدینگی و ناتوانی مالی این نوع حکومت‌ها بود. عاملی که خود آن‌هم معلول نظام اقتصاد طبیعی و غیر پولی حاکم در بخش‌های اقتصادی و تولیدی جامعه بود. نظام‌های اقتصادی سنتی و پیش‌سرمایه‌داری فاقد امکان‌ها و توانایی‌های مالی جهت تأمین هزینه‌های ایجاد نظام‌های دیوانسالاری متمرکز و بوروکراتیک بودند. همپای نقش عامل اقتصادی مذکور، ابتدایی و سنتی بودن نظام حمل‌ونقل و ابزارهای ارتباطات و اطلاعات، دیگر عامل درون ساختاری بازدارنده در مقابل تأسیس نظام اداری و دیوانی متمرکز بود. به طوری که دیوان مرکزی به‌سختی می‌توانست در عملکرد و اقدامات صاحب‌منصبان حکومتی در ایالات و نواحی پیرامونی نظارت داشته باشد.

نتیجه ناشی از ضعف اقتصاد پولی دولت مرکزی آن بود که حکومت مجبور می‌شد در فرایند یک سیاست‌گذاری دیوانی که ذاتاً دارای آثار و پیامدهای ضد دیوانی بود، هزینه‌های مربوط به تأمین نیازمندی‌های نظامیان و دیوانیان را به درآمدهای دیوانی ایالات حواله دهد و در گذر زمان به جهت ضعف نظام ارتباطات و اطلاعات، امکان‌های نظارت بر چنین فرایند اداری و مدیریتی را نداشته باشد. به طوری که ضعف قدرت مالی و نظارتی دیوان مرکزی سلجوقی در تأمین هزینه‌های نگهداری تشکیلات دیوانسالاری و سپاه ثابت، موجب شد در گذر زمان دامنه تبدیل ایالات دیوانی به ایالات قطاعی گسترش یابد. ناتوانی در نظارت بر عملکرد مقطعان هم موجب می‌شد، ایالات اقطاع به سمت

استقلال سیاسی سوق یافته و ویژگی‌های ایالات خودمختار و تابعه را پیدا کنند. نتیجه چنین روندی گسست و فروپاشی نظام دیوانسالاری و تجزیه قلمرو سیاسی آن بود.

پی‌نوشت:

۱. مشخصات تحقیقات مورداشاره:

لمبتون، آن، ۱۳۸۵، «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، چ ۶، امیرکبیر، تهران. / کلوژنر، کارلا، ۱۳۶۳، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، امیرکبیر، تهران. / مرسل پور، محسن، ۱۳۹۵، «نگرش قبیله‌ای ترکمانان سلجوقی و تقابل آن با الگوی ملک‌داری ایرانی»، نشریه تاریخ و فرهنگ، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۹۷، صص ۸۷-۱۰۴ و

Merçil, Erdoğan, 2015, Sıçuklular Zamanında Divan Teşkilati, Bilge Kültür Sanat, Istanbul. / Durand-Guedy, David, 2010, Iranian Elites and Turkish Rulers: A History of Isfahan in Seljuq Period, London and Routledge. / Başan, Aziz, 2010, The Great Seljuqs: A History, London/ New York: Routledge. / Bosworth, Edmond, 2011, "The Steppe Peoples in the Islamic World", The New Cambridge History of Islam, Vol.3, edited by David O.Morgan and Anthony Reid, Cambridge University Press.

۲. در دوره اوج فعالیت‌های فدائیان اسماعیلی که از سال ۴۸۵ ق. تا ۵۴۱ ق. طول کشید، به‌طور تقریبی چهل‌وهشت تن از سران قدرتمند و طراز اول حکومت سلجوقی از امرا و وزراء و علما و قضات و خلفای عباسی کشته شدند (خواند میر، ۱۳۳۳، ج ۲: ۴۶۷-۴۶۷). نخستین قربانی فعالیت‌های اسماعیلیان، خواجه نظام‌الملک پایه‌گذار نظام دیوانسالاری سلجوقی بود. اقدامات اسماعیلیان در قتل متنفذین دولتی ضربه‌ای اساسی به موجودیت و قدرت نظارتی نظام دیوانسالاری سلجوقی بود.

منابع و مطالعات

ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی، ۱۴۱۷ ق. / ۱۹۹۷ م، الکامل فی التّاریخ، المجلدات السابع و الثامن و التاسع و العاشر، حقه و اعتنی به الدكتور عمر عبدالسلام تدمری، الطبعة الاولى، دارالکتب العربی، بیروت.

ابن جوزی، ابی‌الفرج عبدالرحمن، ۱۴۱۵ ق. / ۱۹۹۵ م، المنتظم فی تواریخ‌الملوک و الامم، الجزء التاسع و العاشر، حقه و قدم له الاستاد الدكتور سهیل زکار، دارالفکر، بیروت.

ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین، ۱۳۶۳، تاریخ‌الوزراء، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

اتابک جوینی، مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۲۹، عتبه‌الکتبه، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، تهران.

- اسناد و نامه‌های تاریخی، ۱۳۴۶، به کوشش سیدعلی مؤید ثابتی، کتابخانه طهوری، تهران.
- اصفهانی، عمادالدین محمد، ۱۳۱۸ ق.، تاریخ دوله آل سلجوق، اختصار الفتح بن علی بن محمد البنداری، شرکه طبع الکتب العربیه، مصر.
- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۸۷، ایران بین دو انقلاب، چ ۱۵، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- باسورث، کلیفورد ادموند، ۱۳۸۱، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، چ ۳، امیرکبیر، تهران.
- توفیق، ابراهیم، ۱۳۸۵، «مدرنیسم و شبه پاتریمونالیسم؛ تحلیلی از دولت در عصر پهلوی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۹۳-۱۲۵.
- حسن‌زاده، اسماعیل، ۱۳۸۶، «اصلاحات و بی ثباتی سیاسی در دوره سلجوقی»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهراء، دوره دوم، شماره ۵۰، صص ۱۷-۴۳.
- خواند میر، غیاث‌الدین، ۱۳۳۳، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۲، انتشارات خیام، تهران.
- سرافرازی، عباس، بهار و تابستان ۱۳۹۲، «تأثیر سیاست‌نامه (سیر الملوک) خواجه نظام‌الملک بر ساختار حکومت سلجوقی»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۵۷-۷۲.
- سیف، احمد، ۱۳۸۰، استبداد، مساله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران، نشر رسانش، تهران.
- صدرالدین حسینی، ابی‌الفوارس، ۱۹۳۳، اخبار الدوله السلجوقیه، تصحیح محمد اقبال، لاهور.
- صدقی، ناصر، مجله تاریخ اسلام و ایران، تابستان ۱۳۸۸، «بررسی روندهای شکل‌گیری و دگرگونی نظام اداره ایالات حکومت سلجوقی»، دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی ۷۷)، صص ۴۷-۷۸.
- صدقی، ناصر، ۱۴۰۰، سلجوقیان در تاریخ ایران، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
- عبدالخالق میهنی، محمد، ۱۹۶۲، دستور دبیری، تصحیح و اهتمام عدنان صادق ارزی، انتشارات دانشگاه آنقره.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۱۸، بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح میر جلال‌الدین محدث، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- لمبتون، آن، ۱۳۸۵، «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، چ ۶، امیرکبیر، تهران.
- المختارات من الرسائل، ۱۳۷۸، گردآوری محمود بن بختیار الاتابکی، به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار، بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران.
- مرسل پور، محسن، ۱۳۹۵، «نگرش قبیله‌ای ترکمانان سلجوقی و تقابل آن با الگوی ملکداری ایرانی»، نشریه تاریخ و فرهنگ، سال ۴۸، پاییز و زمستان، ش. ۲، پیاپی ۹۷، صص ۸۷-۱۰۴.
- نامه‌های رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۸، با مقدمه دکتر قاسم تویسرکانی، دانشگاه تهران.

نظام‌الملک طوسی، خواجه ابوعلی حسن، ۱۳۶۴، سیف الملوک (سیاست‌نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، چ ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

نظام‌الملک طوسی، خواجه ابوعلی حسن، ۱۳۸۲، سیر الملوک (سیاست‌نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، چ ۶، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

نظامی عروضی، احمد بن عمر، ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م، چهار مقاله، به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مطبعه بریل، لیدن.

نعمانی، فرهاد، ۱۳۵۸، تکامل فئودالیسم در ایران، خوارزمی، تهران.

نیشابوری، ظهیرالدین، ۱۳۳۲، سلجوقنامه، به کوشش میرزا اسماعیل خان افشار، گلاله خاور، تهران.

ولی، عباس، ۱۳۸۰، ایران پیش از سرمایه‌داری، ترجمه حسن شمس‌آوری، نشر مرکز، تهران.

همایون کاتوزیان، محمد علی، ۱۳۸۰، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه مرتضی طیب، نشر نی، تهران.

یوسفی‌فر، شهرام و آذر جلیلیان، هوشنگ خسرویگی و ابوالفضل رضوی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، «بازشناسی تاریخی دیوان مظالم در دوره میانه و کارکرد سیاسی آن در دوره سلجوقیان بزرگ»، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صفحه ۲۶۱-۲۷۳.

Köymen, Mehmet Altay, 1976, Tuğrul Bey ve Zamanı, Kültür Bakanlığı Yayınları, İstanbul.

Durand-Guedy, David, 2011, "The Turkmen-Saljuq Relationship In Twelfth-Century Iran: New Elements Based On A Contrastive Analyze Of Three INSA' Documents" Eurasian Studies, IX/1-2, pp.11-66.

Weber, Max, 1978, Economy and Society, vol. 2, edited by Ghonthor Roth and Claus Wittich, University of California Press.

References and Bibliography

- Ibn Athir, Izz al-Din Abi al-Hassan Ali, (1997 A.D) Al-Kamil Fi Al-Tarikh", Al-Sabeeh, Al-Thamen, Al-Tase ', and Al-Asher volumes, attention to Dr. Omar Abdul Salam Tadmari, First Edition, Dar Al-Kitab Al-Arabi, Beirut.
- Ibn Jawzi, Abi al-Faraj Abdul Rahman (1995 AD) "Al Montazam Fi Tavarikh ol montazam", part of the nine and the tenth, Dr. Soheil Zakar, Dar al-Fikr, Beirut.
- Abolraja Qomi, Najmuddin, (1984)" History of Ministers (Tarikh ol Vozara)" by Mohammad Taghi Daneshpajoo, Institute of Cultural Studies and Research, Tehran. [in Persian]
- Atabak Joveyni, Moayed al-Dawlah Muntajbuddin Badie, (1950)"Atabah al-Katabah", edited by Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal, Sahami Chap Company, Tehran. [in Persian]
- Historical documents and letters, 1967, by Seyed Ali Moayed Sabeti, Tahoori Library, Tehran.
- Isfahani, Emad al-Din Muhammad, (1939)" History of the State of Al-Saljuq" abbreviated Al-Fath Ibn Ali Ibn Muhammad Al-Bondari, Al-Kitab Al-Arabiya Printing Company, Egypt.
- Abrahamian, Yervand, (2008)" Iran between two revolutions" print. 15, translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Basworth, Clifford Edmund, (2002)" History of the Ghaznavids", translated by Hassan Anousheh, print. 3, Amirkabir, Tehran.
- Tawfiq, Ibrahim, (2006) "Modernism and Pseudo-Patrimonialism; An Analysis of the state in the Pahlavi Era ", Iranian Journal of Sociology, Volume 7, Number 1, pp. 93-125.
- Hasanzadeh, Ismail, (2007) "Political Reforms and Instability in the Seljuk Period", Journal of Al-Zahra University, Faculty of Literature and Humanities, Volume 2, Number 50, pp. 17-43.
- Khand Mir, Ghiasuddin, (1954)" History of Habib Al-Siar Fi Akhbar e Afrad e Bashar", vol. 2, Khayyam Publications, Tehran. [in Persian]
- Sarafrazi, Abbas, (2013) "The Impact of the Siyasat Nameh (Siyar al-Muluk) of Khajeh Nizam-ol-Molk on the Structure of the Seljuk Government", Journal of Historical Research of Iran and Islam, Volume 7, Number 13, pp. 57-72.
- Seif, Ahmad, (2001)" Authoritarianism, the issue of ownership and accumulation of capital in Iran", Rasanesh Publishing, Tehran [in Persian].

- Sadr al-Din Huseini, Abi al-Fawaris, (1933) "Akhbar al-Dawlah al-Saljuqiyah", edited by Mohammad Iqbal, Lahore.
- Sedghi, Naser, (Summer 2009) "the processes formation and changing in administrative system of Saljukids provinces ", Volume 19, Number 2, pp. 47-78.
- Sedghi, Naser, (2021) "The Seljuks in the history of Iran", Tabriz University Press, Tabriz. [in Persian]
- Abdul Khaleq Mihani, Mohammad, (1962) "Dastur e Dabiri /Secretary's order", by Ednan Sadegh Arzi, Ankara University Press.
- Qazvini Razi, Abdul Jalil, (1939) "Ba'z e Masalib ol Navasib Fi Nagz e Ba'z e Faza'ih ol Ravifiz", edited by Mir Jalaluddin Mohaddes, Publications of the National Works Association, Tehran.
- Lambton, An., (2006) "The Internal Structure of the Seljuk Empire", History of Iran Cambridge, Vol. 5, print. 6, Amirkabir, Tehran.
- Al-Mukhtarat Min Al-Rasa'il, (1999)", compiled by Mahmoud Ibn Bakhtiar Al-Atabaki, By Gholamreza Taher and Iraj Afshar, Endowments of Mahmoud Afshar, Tehran. [in Persian]
- Morsalpour, Mohsen, (fall and winter 2016) "Tribal Outlook of the Seljuk Turkmen and its Contrast with the Iranian Landowning Pattern ", Journal of History and Culture, Vol. 2, consecutive 97, pp. 87-104.
- "The Letters of Rashid al-Din Vatvat, (1959)" with introduction by Dr. Ghasem Tuyserkani, University of Tehran. [in Persian]
- Nizam al-Molk Tousi, Khajeh Abu Ali Hassan, (1985) "Siyar al-Muluk (policy letter)", by Hubert Dark, print. 2, Scientific and Cultural Publishing Company, Tehran. [in Persian]
- Nizam al-Molk Tousi, Khajeh Abu Ali Hassan, (2003) "Sir al-Muluk (policy letter)", by Hubert Dark, print. 6, Scientific and Cultural Publishing Company, Tehran. [in Persian]
- Nezami Aroozi, Ahmad Ibn Omar, (1327 AH / 1909 AD) " Chahar Magaleh/ four articles", by Mohammad Ibn Abdul Wahab Qazvini, Brill printing house, Leiden.
- No'mani, Farhad, (1979) "The Evolution of Feudalism in Iran", Kharazmi publications, Tehran.
- Neyshabouri, Zahiruddin, (1953) "Seljuqnameh" by Mirza Ismail Khan Afshar, Galaleh Khavar, Tehran.
- Vali, Abbas, (2001) "Iran Pre-capitalism", translated by Hassan Shams Avari, Markaz Publishing, Tehran.
- Homayoun Katozian, Mohammad Ali, (2001) "The Conflict of state and Nation: Theory of History and Politics in Iran", translated by Morteza Tayyeb, Ney Publishing, Tehran.

- Yousefifar, Shahram and Azar Jalilian, Houshang Khosro Beigi and Seyyed Abolfazl Razavi, (Fall and Winter 2016) "Historical Recognition of the Divan-e Mazalem in the Middle Ages and its Political Function During the Great Seljuk Period", Journal of Historical Research of Iran and Islam, Volume 10, Number 19, pp. 261-273.
- Köymen, Mehmet Altay, (1976) "Tuğrul Bey ve Zamanı", Kültür Bakanlığı Yayınları, İstanbul.
- Durand-Guedy, David, (2011) "The Turkmen-Saljuq Relationship in Twelfth-Century Iran: New Elements Based on a Contrastive Analyze of Three INSA' Documents" Eurasian Studies, IX/1-2, pp.11-66.
- Weber, Max, (1978) "Economy and Society", vol. 2, edited by Ghonthor Roth and Claus Wittich, University of California Press.

